اعتراض مالئکه

مالئکه چیزهای عجیب و غریبی در بشر میدیدند که از آب و گل آفریده شده و سنگینی و تیره است؛ لذا از خدا سؤال و استفسار کردند که چرا میخواهی این را که غضب و شهوت دارد و جنگ و خونریزی و فساد از او بر میآید، خلق کنی؟ درحالیکه: «وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِکَ وَ نُقَدِّسُ لَکَ؛

درحالیکه ما با ستایش تو، تسبیح تو را گفته و تو را به پاکی محض میستاییم»؛[1] یعنی هر مقصودی که از تسبیح و تقدیس داری در ما حاصل است. بنابراین، آفرینش انسان تحصیلِ حاصل است.

ولی خداوند در جواب فرمود: میخواهم کاسههای خلق کنم که به آن تعلیم اسما کنم که قابلیت اقوی، و بیشتر از شما ظرفیت داشته باشد؛ لذا تحصیل حاصل نیست.

کتاب در محضر بهجت، ۱، ص۲۹۷-۲۹۸

چون مالئکه دیدند معجون و خمیره و طینت آدم علیهالسلام سنگینی، تیره و از آب و گل است، عرض کردند: «أَتَجْعَلُ فیها مَن یفْسِدُ فیها وَ یسْفِکُ الدِّماءَ؛ آیا میخواهی کسی را در روی زمین قرار دهی که در آن تباهی کند و خونها بریزد؟!».

او غضب و شهوت دارد و جنگ و خونریزی بهپا میکند و نمیتواند مثل ما پرواز کند، ولی خداوند به آنها فهماند که بشر خاکی میتواند بالاتر از مالئکه اوج گیرد و فراتر از مقام آنها قدم نهد.

البته ما به همان سنگینی و به همان حالت خاکی باقی ماندهایم[2]. خدا نکند حرام در زن انسان زینت داده شود. این یک بیماری قلبی است که انسان بدان مبتلا میشود، و با وجود راههای حلال که نیازش را برآورده میکند، خود را به حرام گرفتار مینماید! انسان میتواند به اختیار خویش همنشینی سلمان، و یا ابوجهل گردد.

در محضر بهجت، ج۱، ص ۲۹۸

ابلیس که عالِم، بلکه از علمای رتبهی اول بود و خیلی هم میخواست منطقی صحبت کند، گفت:

«خَلَقْتَنی من نارٍ وَخَلَقْتَهُ من طینٍ؛ مرا از آتش آفریدی و آدم را از گل».[3]

مالئکه هم به خلقت حضرت آدم علیهالسلام اشکال داشتند، ولی پرسیدند و جواب شنیدند، گفتند: «أَتَجْعَلُ فیها مَن یفْسِدُ فیها؛ آیا کسی را در روی زمین قرار میدهی که فساد به پا

کند؟»و خداوند فرمود: «إِنِّی أَعْلَمُ ما لا تَعْلَمُونَ؛ من آنچه را که شما نمیدانید، میدانم».[4]

کسی نبود به ابلیس بگوید که چرا به صورت جزم گفتی: «خَلَقْتَنی من نارٍ وَخَلَقْتَهُ من طینٍ؛

مرا از آتش آفریدی و آدم را از گل».[5] آیا روشنایی ظاهری خود را دیدی و گفتی محال است که گل تیره و تاریک از تو اشرف باشد؟! حال هم خیلی از مردم در دین و امور دینی اشکال میکنند و خیال

می‌کنند که هیچ‌کس نمی‌تواند شبهات و پرسش‌های دینی و اعتقادی آن‌ها را جواب دهد و حل کند، بدون این‌که از اهل‌ش سؤال کنند.

شیطان از خداوند متعال درخواست نمود که به‌جای سجده بر آدم علیه‌السلام چنان تو را عبادت کنم، که هیچ‌کس مثل آن، تو را عبادت نکرده باشد، ولی خداوند فرمود: «إِنِّی أُحِبُّ أَنْ أُطَاعَ مِنْ حَیْثُ أُرِید؛ من دوست دارم آن‌گونه که می‌خواهم، مرا اطاعت کنند».[6]

شیطان با شش هزار سال عبادت[7] عاقبتش آن‌طور شد، آیا ما می‌توانیم به خود مغرور شویم؟! به خدا پناه می‌بریم!

---

[1] بقره: ۳۰

[2] اشاره به آیه ۱۷۶ سوره اعراف که می‌فرماید: «وَ لَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ»

[3] اعراف: ۱۲

[4] بقره: ۳۰

[5] اعراف: ۱۲

[6] بحارالانوار، ج۲، ص۲۶۲؛ ج۱۱، ص۱۴۵؛ ج۶۰، ص۲۵۰؛ قصص‌الانبیاء راوندی، ص۴۳.

[7] نهج‌البلاغه، ص۲۸۷؛ شرح نهج‌البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، ج۱۳، ص۱۳۱؛ بحارالانوار، ج۶۰، ص۲۱۴؛ ج۱۴، ص۴۶۵.

بازبینی #3
ایجاد شده 28 اوت 2025 11:16:58 توسط ... .
به روزرسانی شده 28 اوت 2025 12:55:01 توسط ... .